



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني : آزاده ، ټولنيزه ، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست!



استاد علی اصغر بشیر هروی در حافظه آرشیف ملی افغانستان

نوشته و معاون سر محقق حسین فرمند

سال ۱۳۶۹ تالار کنفرانسهای محمدرضا طرزی

تاریخ نشر : 22 نوامبر 2014 م

استاد علی اصغر « بشیر هروی » در حافظه آرشیف ملی افغانستان

از چهره های پذیرفته و برجسته فرهنگي معاصر کشور ما یکی هم روانشاد استاد علی اصغر بشیر هرویست ، که هستی پر بارش را وقف مطالعات و پژوهشهای علمی ساخت و با نگاشتن کتابها و رسایل مقاله های فراوان ادبی و تاریخی ، استخراج های دقیق نجومی و سرایش اشعار ، نه تنها در پروسه باروری و گسترش دانش بشری سهمش را به جا آورد، بل وجیبه و دین خودرا در برابر فرهیخته گان و فرهنگ سالاران سرزمین خراسان ، این مرز و بوم تاریخی و دانشپور، نیز به نیکوترین وجهی اداء کرد .

حالات پیر هرات ، شاهراه تورغندی هرات ، قندهار، هزار و یک حکایت تاریخی و ادبی، خمیرخان ، کلیات سنایی ، سیری در ملک سنایی ، شیوه داستانسرایي امیر خسرو و اندیشه های پیر هرات در شمار آن تألیفات و تتبعات استاد میباشد که بصورت کتابهای مستقل چاپ شده اند و هریک از آثار یاد شده درجای خودش ارج فراوان دارد و بیانگر بینش دقیق ، اندیشه سالم ، حوصله علمی و نگارش استوار و بیان رسای این استاد وارسته و متواضع است .

نگاشته ها و پژوهش های استاد در سیمینار ها و سمپوزیم های علمی و مطبوعات کشور ، درخشش ویژه بی داشت که بی تردید از دید دانشیان و حلقه های فرهنگی به دور نخواهد بود. از کار کرد های بسیار چشمگیر وی ، در ساحة مطبوعات ، یکی هم نشر جریده ادبی ، انتقادی ((ترجمان)) را می

توان نام برد ، که به مسؤلیت ایشان با زبان پرنیش و نوش طنز و کارتون، کاستی ها و نارسایی ها را نقادانه به بیان می آورد.

شمارش کار کردها و ابعاد گوناگون فرهنگی شاد روان استاد بشیر ضرورتیست مشخص، ولی مستلزم فرصت و مجال کافی که درین مختصر گنجایش ندارد. فقط بعنوان اظهار ارادت شاگردی به مقام علمی و شخصیت والای استاد می خواهم بریکی از برهه های زنده گی فرهنگی شان توقف کوتاهی بنمایم .

شادروان استاد بشیر ، آخرین وظیفهء رسمی را در آرشیف ملی افغانستان انجام میداد و با داشته های معنوی و پربهای این گنجینهء دانش و فرهنگ ، مصروف بود .

آرشیف ملی افغانستان که بر پیرنگ آمریت نسخ خطی وزارت اطلاعات وکلنور وقت بنیاد نهاده شد، در سنبلهء ۱۳۵۶ ، رسماً گشایش یافت و آثار و کارمندان آمریت نسخ خطی منجمله استاد بشیر به آرشیف ملی وابسته گردیدند .

عشق به کتاب و کتابخانه، به ویژه نسخ نفیسی که جزء مفاخر فرهنگی و میراث پر بهای جامعه را تشکیل می دهند، استاد را وا میداشت تا رسالتش را در رابطه به آرشیف ملی مسوولانه و عاملانه به سر رساند. همین احساس مسوولیت و درک رسالت، نام و کار او را با آرشیف ملی پیوند محکم و استوار بخشیده که تاریخ آرشیف فراموشش نخواهد کرد و همواره در حافظه خواهد داشت .

به قول محترم عبدالقدیر مشتری مدیر شعبه نسخ خطی آرشیف ملی قبل از آمدن استاد بشیر، این شعبه و آثار محفوظ در آن کمتر شناخته و غیر قابل استفاده بود. کسی نمیدانست چی آثاری و از چی کسانی به چی تعداد در این جا موجود است . و در چی موقعیتی قرار دارند. ناچی رسد بدان که امکان استفاده و دسترسی بدانها میسر میشد و معلوماتی در باره کاتب ، تاریخ کتابت ، نوع خط ، کاغذ ، پشتی و سایر تزیینات و ویژه گیهای آن ها حاصل میگردد .

استاد، با دانش و تجربه و ذوق ویژه فرهنگی در پی تهیه و ترتیب فهرست علمی این آثار شد و به همکاری سایرکارمندان آرشیف، استاد مایل هروی، استاد توفیق ، محمد عمر صدیقی ، داکتر اثیر، محمد انور نیر و عبدالقدیر مشتری کار تسجیل و تشریح علمی نسخ را آغاز و در گسترده آثار موجود آرشیف در همان زمان به فرجام آورد و برای هر اثر فیش مشخص حاوی خصوصیت ها و ویژه گیهای آن تهیه نمود.

این کار سترگ را می توان شاهرگ حیاتی آرشیف به شمار آورد که خون حرکت و فعالیت و سودمندی آرشیف ، به ویژه بخش نسخ خطی ازین مجرا به جریان آمد و سرانجام چاپ مجلات سه گانه فهرست نسخ خطی آرشیف بر مبنای آن تحقق پذیرفت چون در آن زمان بررسی نهایی چاپ و در معرض استفاده قرار دادن این فهرست میسر نبود، استاد غرض فعال ساختن شعبه نسخ خطی و استفاده دانشمندان و پژوهش گران ، عجالاً دست به ابتکار دیگری یازید ، که عبارت از ترتیب دادن فهرست مختصر نسخ خطی آرشیف در چار مجلد بود درین فهرست چهار جلدی که مجلدات اول و دوم آن شامل نسخه به خط روانشاد بشیر و مجلدات سوم و چهارم مشتمل بر ۱۵۳۵ نسخه به خط محترم داکتر اثیر می باشد، تنها به ذکر نام و زبان اثر و مؤلف آن با شماره الماری و موقعیت اثر در الماری اکتفا شده و هدف از ترتیب آن در آغاز جلد اول و دوم چنین تصریح گردیده است .

«این فهرست، مختصر ، فقط بمنظور پیداکردن جای هر نسخه و آگاهی از این که چند نسخه از یک کتاب در کتابخانه موجود است تنظیم گردیده است. البته اطلاع بیشتر درمورد یک یا چند نسخه را باید با مراجعه به خود نسخه ها و یا فهرست دیگر کتابخانه که با تفصیل و توضیح بیشتر... در شرف تدوین میباشد ، میتوان به دست آورد .»

باید گفت که تا پیش از چاپ فهرست های نسخ خطی آرشیف ملی که بر مبنای همان کار گروهی ترتیب و تدوین و اكمال یافته است ، یگانه وسیله و کلید راهیابی به نفایس آرشیف و استفاده دانشیان از آن ها همین فهرست مختصر قلمی بود وبس و حتی هم اکنون نیز در مواردی بدان مراجعه میشود .

همانطور که گفته آمد ، تلاش ها و پویش های سازنده در جهت تحرک فعال ساختن و بلند بردن سطح کار آبی این مؤسسه فرهنگی ، نام استاد بشیر را با نام آرشیف ملی گره زد و این گره با یک عمل دانشمندانه دیگر ، گسست ناپذیر و مستحکم تر گردید .

بلی ، در میزان ۱۳۵۹ ، استاد شماری از داشته های معنوی خود را که عزیز میداشت ، به آرشیف ملی اهداء کرد تا هم از تصادف اندوهبار زمان در امان باشند و هم پژوهنده گانی را که نیاز یابند به سهولت دسترسی بدانها میسر آید .

آثاری که از طرف استاد به آرشیف اهداء شده و زیر شماره های مخصوص ثبت و محفوظند ، شامل دویخش میشوند .

اول - مجموعه هایی از مقالات سیمینار ها و محافل بزرگداشت:

این مجموعه ها، عموماً گسترش یافته و دربر دارنده پژوهشها و بعضاً تمامت اسناد محافلی میباشد که استاد در آن ها اشتراک فعال داشت و با حوصله افزایی و ذوق فرهنگی به جمع آوری ، تنظیم و وقایه آن ها پرداخته است . آنها عبارتند از :

مقالات مجلس امیر خسرو دهلوی، تاریخ برگزاری حوت ۱۳۵۳ نمبر آرشیف ۱۳۴/۲۵

مقالات سیمینار دقیقی بلخی، تاریخ برگزاری جدی ۱۳۵۴ نمبر آرشیف ۱۳۵/۲۵

مقالات مجلس بزرگداشت هزارمین سال تولد خواجه عبدالله انصاری تاریخ برگزاری ثور ۱۳۵۵ و حوت ۱۳۵۵ نمبر آرشیف ۱۳۲/۲۵ و ۱۳۳/۲۵

مقالات هشتادمین سال وفات سید جمال الدین افغانی ، تاریخ برگزاری میزان ۱۳۵۶ نمبر آرشیف ۱۳۱/۲۵

مقالات تجلیل نهمین سال تولد حکیم سنایی غزنوی، تاریخ برگزاری سنبله ۱۳۵۹ بدون شماره

ظاهراً جز مقالات مجلس امیر خسرو، هیچ یک از مجموعه های دیگر تا کنون چاپ نشده و این هم واضح است که نسخه های گسترش یافته اولاً از لحاظ تعداد بسیار کم می باشند و ثانیاً چون در حفظ و نگهداشت آن ها چندان توجهی مبذول نمیگردد، اغلب نایاب شده اند .

بنا بر این ، مجموعه های یاد شده خیلی غنیمت و در حکم نسخه های خطی و یا آثار کمیابی اند که ارج فراوان دارند ، زیرا هم اکنون بحیث آثار آرشیفی و هم در آینده با مساعدت شرایط فرصت بحیث مبنای چاپ و تکثیر میتوانند مورد استفاده قرار گیرند و نیاز علمی پژوهنده گان و محققان را مرفوع سازند .

دوم ، آثار مستقل استاد بشیر:

این ها شماری از تالیفات و رسایلی اند که استاد بشیر با دقت نظر و وسعت اندیشه در مقاطع مختلف زنده گی پژوهشی - فرهنگی خود به نگارش ترتیب و تدوین آن ها پرداخته است . از این میان برخی امکان چاپ یافته ، ولی شمار دیگر تا کنون چنین اقبالی را نصیب نشده اند.

مطلب قابل گفت و دارای اهمیت، این است که این آثار، همه نسخه نخستین و به خط و خامه مؤلف میباشند و بنابر این تحریف، تصحیف، کاستی و فزونی در آن ها مجالی نیافته است. این نسخ معتبر و دست اول را میتوان برای تصحیح و مقابله آن چه بیشتر نشر شده و نیز برای چاپ و نشر آنچه از چاپ باز مانده است. مورد استفاده قرار دارد و دانش و بینش مؤلف را به قضاوت گرفت. برای آگاهی اهل تحقیق و پژوهش شناسنامه فشرده بی از هر اثر رایج میگردد:

۱ - جست و جو در احوال و آثار پیرهرات:

این نسخه زیر شماره ۲۵۱۲۵ در آرشیف نگهداری میشود. تاریخ پایان مقدمه، آغاز کار آن را در اول حمل ۱۳۲۷ در شهر هرات نشان میدهند. دارای ۳۱۰ صفحه بشمول فهرست اعلام، اماکن و کتب و مجلات می باشد. کتاب، عمدتاً شامل دو بخش است. بخش نخستین آن که ۱۳۷ صفحه را احتوا میکند، زیر نام « هویت پیر هرات » و بخش دومین آن در ۱۲۷ صفحه زیر نام « مکتب پیر هرات » نگاشته شده است. مؤلف با فروتنی و بیژده خودش دز مقدمه نسخه « من ، مطالعه شرح حال و آثار این مرد نامی هرات را برای کسانی که دل بسته این آب و خاک و شیفته افتخارات این سرزمین باستانی هستند ، لازم، بلکه واجب میدانم و نگارش داستان حیات و اوقات او و تحقیق در آراء و عقاید و تعلیمات او را واجبتر ... از این رو، به ادای این واجب، قیام نموده، شرح حال و تاریخ زنده گانی و بحث در خصایص روحانی او را آغاز می کنم و از خداوند قادر متعال ، توفیق انجام این فریضه ادبی را مسألت می نمایم ... و من میخواهم این اثر ناچیز نمونه بی از حقیقت نویسی باشد نه سرمایه شهرت و نامبرداری » .

۲ - زنده گانی و مکتب پیرهرات:

در حقیقت نسخه دیگری از همان اثر نخستین است که گویا پس از تجدید نظر و افزایش مقدمه وسیعتر و تکمله بی به داخل بیست صفحه بمنظور چاپ فراهم گردید و فعلاً زیر رقم ۲۵۱۲۶ در آرشیف قید و محفوظ است ، نه تنها در نام کتاب ، تجدید نظر به مشاهده میرسد، بلکه تغییر عنوان نخستین بخش آن از « هویت پیرهرات » به « زنده گانی پیر هرات » نیز آشکار است .

اگر اكمال نسخه اولی را به سال ۱۳۳۰ (سال چاپ رساله پیرهرات) فرض کنیم ، درست ده سال پس از آن ، این نسخه به کتابت آمده است ، به فحوای این بیان مؤلف ، در آخرین برگ نسخه مورد بحث :

« این نسخه را در سال ۱۳۴۱ برای بار دوم از روی نسخه اولی ، کتابت و استنساخ کرده ، برای چاپ به کابل فرستاده بودم که بعداً دریافت کردم. » برتری این نسخه نسبت به آن دیگر، نخست داشتن مقدمه بیست مشتمل بر بیان دانش تاریخ و ماهیت آن، حس قهرمانجویی و مفاخر ملی و تاکید این که « تاریخ جهان ، تاریخی که در بازه آن گفته اند: آیینة گذشته و چراغ آینده است .

تاریخ جنگها و زد و خورد ها، تاریخ کشت و کشتار ها، تاریخ حریق ها و ویرانیها نیست، بلکه تاریخ تمدن و سرگذشت علم و ادب و اخلاق و هنر است. » چنانکه مؤلف بر بنیاد همین استدلال ، به نوشتن این اثر، دست یازیده که معرف و روشنگر شخصیت والا و کار کرد های فرهنگی پیر هرات - این مرد نامی تاریخ تمدن و فرهنگ بشیر نیست. افزایش تکمله بی را در آخرین نسخه، دومین مزیت آن باید شمرد .

این تکمله علاوه بر مطالبی که مندرجات متن یا حواشی کتاب را بهتر توضیح و بیان میدارند یاد داشتهایی را نیز شامل میشود که پس از نگارش و ختم کتاب بدست آمده و به منظور تکمیل آن درج گردیده است . لازم به یاد هانیست که نخستین بخش این اثر، زیر عنوان « حالات پیر هرات » به حیث یک رساله در سال ۱۳۳۰ ، از طرف روزنامه اتفاق اسلام در مطبوعه اتفاق اسلام هرات چاپ شده و بیست و پنج سال بعد یعنی در سال ۱۳۵۵ بمناسبت بزرگداشت هزارمین سال تولد خواجه عبدالله

انصاری دومین قسمت آن زیر عنوان « اندیشه های پیر هرات » طور جداگانه و از طریق مؤسسه چاپ کتاب بیهقی در مطبوعه دولتی به نشر رسیده است .

۳ - ترجمه قصیده برده:

معروفست که شیخ شرف الدین محمد بوهیری از باشنده گان یمن به مرض فالج مصاب بود. هیچ نوع تداوی ، مؤثر نیفتاد تا آنکه مایوسانه قصیده یی ساخت در نعت حضرت پیغمبر اسلام (ص) به یمن آن قصیده حضرت پیغمبر (ص) را در خواب دید و عرض حال کرد و در پرتو نظرلطف آنحضرت (ص) شفا یاب گردید. این قصیده در نزد مسلمانان خواص ، فواید و حرمت فراوان دارد و ترجمه های متعدد منظوم و منثور به زبان های مختلف جوامع اسلامی از آن صورت پذیرفته است .

روانشاد استاد بشیر، این قصیده را که به «قصیدهء برده» اشتهار یافته به نثر دری ، ترجمه نموده که زیر رقم ۱۲۷ بر ۲۵ در آرشیف ملی محفوظ است .

کتابت این اثر به داخل ۶۰ صفحه به سال ۱۳۳۴ در شهر مزار شریف به انجام آمده است . چنانکه استاد مرحوم به این ارتباط و آسیب قسمتی که بر نسخه وارد آمده است ، در آخرین برگ تصریح میدارد :

«کاتب این اوراق بی مقدار ، در سال ۱۳۳۴ در شهر مزارشریف مترجم آن از عربی به دریست .

دریغا که بعداً بر اثر آب رسیده گی ناشی از سیلاب ۱۳۵۱ خیرخانه قسمتی از سطور این اوراق محو شد و مخصوصاً صفحه آخر که تقریباً شسته شده است و از حیز انتفاع افتاده (است.) ای بسا آرزو که خاک شده .

۴ - شناسنامهء جامی:

تألیف دیگرست از آن استاد فقید و بخت خودش که زیر شمارهء ۱۱۹ بر ۲۵ در آرشیف ملی نگه داشته می شود . دارای قطع متوسط و ۱۳۶ صفحه است . ازین میان ۸۷ صفحه آن را متن اثر و متباقی ۴۹ صفحه دیگر را حواشی و پا ورقیها تشکیل میدهد .

این اثر که مشتمل بر فشرده یی از شرح احوال و افکار و تعلیمات عارف بزرگ وطن مولانا نورالدین عبدالرحمن جامیست به شیوه کاملاً ابتکارای و جدید به نگارش آمده . چی بهتر که شیوه و طرز کار درین اثر را از بیان رسا وخامه توانای مؤلف در مقدمه دریابیم

”چون به حقیقت نمیدانم کاغذ سیاه کرده ام یا کتابی نوشته ام. گمان نمی کنم نوشتن مقدمه یی برین اوراق لازم باشد.

در این صورت مصاحبه با عارف بزرگ وطن ” مولانا جامی قدس سره ” تنظیم شده ، از آثار آن مرد نامی و دو شاگرد ارجمندش مولانا عبدالغفور لاری و مولانا فخرالدین علی بن حسین واعظ الهام گرفته ام و فرض چنان است که این مصاحبه در سال ۸۹۸ هجری یعنی آخرین سال حیات دانای جامی صورت گرفته باشد ” تاریخ پایان مقدمه ، انجام کار تألیف را به سال ۱۳۴۲ در فیروز آباد هرات نشان میدهد. این اثر ارزشمند با فرو کاوی دقیق منابع و ماخذ دست اول به نگارش آمده و تا جاییکه من خود از استاد شنیده و اسنادی نزد ایشان مشاهده کرده بودم ، چاپ مستقل آن نیز زمانی هدایت داده شده بود که شاید بنا بر عواملی میسر نگردیده و امید است ، در اثر توجه مراجع فرهنگی ، این امر ، تحقق پذیرد. هر چند باری در شماره های مختلف ژوندون سالهای پیش از ۱۳۵۷ چاپ شده ، ولی نشر آن بصورت کتاب مستقل، پر ارج و سودمند تر خواهد بود .

– ۵ گلچینی از کتاب امثال و حکم:

این اثر که نماینده ذوق و سلیقه خاص استاد در گزینش است ، زیر رقم ۱۲۱ بر ۲۵ آرشیف حفظ مییابد. گزینه بایک مقدمه دو صفحه یی در ارتباط به زنده گی و کار کرد های برجسته علامه دهخدا آغاز مییابد که در شعبان ۱۳۸۰ ق ، نگارش یافته است . شاید فرجام کار گزینش و ترتیب با تاریخ نگارش مقدمه همزمان باشد .

به دنبال مقدمه ۵۲۴۹ مثل و جملات حکمت آمیز به ترتیب حروف الفبا از چهار مجله کتاب امثال و حکم دهخدا به گزینش آمده و باحوصله مندی و دقت در ۴۶ صفحه پاکنویس و ترتیب شده است .

– ۶ تحقیقی در باره کلمه امی:

از آثار پر ارج استاد در آرشیف ملی یکی همین رساله مییابد که زیر شماره ۱۱۸ بر ۲۵ نگهداری میشود. در نخستین برگ این رساله ۲۴ صفحه یی ، مؤلف . از محتوای چنین آگاهی میبخشد :

« درین اوراق بر یک تحقیق غرض آلود که توسط یکی از شاگردان مکتب استشراق ، نسبت به زنده گی حضرت پیغمبر اسلام (ص) صورت گرفته است پاسخ گفته شده است . »

به فحوای متن رساله ، این تحقیق از داکتر سید عبداللطیف هندی دانشمند معاصر است که در سال ۱۳۴۳ آرای خود را در کنفرانس اسلامی بیان داشت. تحقیق وی بصورت رساله یی بزبان انگلیسی چاپ شده است و آقای تفضلی باورمندانه و اخلاصمندانه آن را از انگلیسی به فارسی ترجمه و تلخیص کرده اند. توجه محقق هندی بر آن بوده که ثابت کند حضرت پیغمبر اسلام (ص) در کودکی یا هنگام جوانی درس خوانده و نزد ، یک یا چند آموزگار به تحصیل دانش ، پرداخته و علم آن حضرت (ص) اکتسابی بوده است. وی تصور کرده است که در نزد مسلمانان ، پیغمبر فاقد علم شناخته شده و این نظریه را اهانت عظیم نسبت به آن حضرت پنداشته اند.

شاد روان استاد بشیر هروی درین رساله با دلایل علمی و مقنع نظر محقق هندی را رد و تصریح داشته است که مسلمانان ابداء چنین عقیده یی ندارند بلکه بدون استثنا اتفاق نظر دارند که پیغمبر بزرگ اسلام (ص) اعلم علما و به تعبیر خود آن حضرت : «شهر علم» بوده است. با این تفاوت که علم سایر دانشمندان جهان را اکتسابی و زاده درس و بحث مینگارند، ولی دانش آن حضرت را لدنی و از جانب خدا(ج) و نتیجه وحی الهی میدانند .

– ۷ سیری در ملک سنایی:

نسخه این اثر به داخل ۱۵۶ صفحه زیر شماره ۱۲۰ بر ۲۵ در آرشیف ملی حفظ است . موجودیت مهر مدیریت نشرات در عقب هر صفحه تردیدی باقی نمی گذارد که چاپ کتاب در سال ۱۳۵۶ به مناسبت مجلس سنایی بر مبنای همین نسخه صورت پذیرفته است .

روانشاد استاد بشیر در آغازین برگ هر نسخه یی از تألیفاتش ، این جمله را تحریر و در پای آن امضاء کرده است :

« این کتاب را به کتابخانه نسخ خطی آرشیف ملی تقدیم می کنم امید است که خواننده یی را روزی به کار آید.»

بدون تردید این آثار ، خواننده گان و پژوهنده گان را درکارشان یاری میبخشد و به اظهار سپاس و قدر دانی ازین دانشی مرد فرهیخته و ا خواهد داشت .

فرهیخته مردی که پس از عمری تحقیق و پژوهش و انجام کارهای فرهنگی در سال ۱۳۶۰ در شهر تهران (۱) دیده از جهان فرو بست و جامعه فرهنگی را سوگوار ساخت .

سپاس فراوان بر انجمن فرهنگ هرات باستان که با تدویر این مجلس نخستین گام را در جهت ادای دین فرهنگیان کشور در برابر این چهره تابنده معاصربه پیش گذاشت . باور مندیم با چاپ و نشر شماری از آثار استاد به ویژه « شناسنامه جامی » حرکت آغاز شده را ادامه خواهند داد. **شاد باد روان استاد بشیر هروی** و پر ثمر و مستدام باد اقدامات فرهنگی انجمن فرهنگ هرات باستان () .

۱- شادروان استاد بشیر هروی که ماه های آخر عمر پر بارش را در عالم هجرت درکشور همسایه ، ایران می گذرانید . در همانجا نیز از فعالیت های فرهنگی اش دست نکشید و با قلم شیوای خویش به بیان واقعیت های تلخی می پرداخت که با جور و جفا بر وی و سایر هموطنانش تحمیل گردیده بود.

تا اینکه سرانجام پس از ده ماه زیستن در غربت در صبحگاه اول قوس ۱۳۶۰ پس از ادای نماز صبح در کنار کاغذ و قلمش در تهران جان به جان آفرین سپرد و جنازه اش عصر همان روز به شهر مشهد مقدس انتقال یافت که در روز دوم قوس در بهشت رضا مشهد بخاک سپرده شد .

روحش شاد و یادش گرامی باد:

و اینهم رباعی از وصیتنامه شادروان استاد بشیر هروی که خطاب به هموطنانش سرود:

ای ملت آزاده ای افغانستان

ای شسته برای حفظ دین دست از جان

پروا مکن از دشمن گمراه چو هست

یار تو خدا «ج» و رهنمایت قرآن

گردوست بدشمنم فروشد غم نیست

ورخصم بکشتنم بکوشد غم نیست

من بچه انقلابم ار چشمهء خون

از هر رگ گردنم بجوشد غم نیست

نوشته : معاون سر محقق حسین « فرمند »

www.24sahat.com

www.said-afghani.org - بازگشت به صفحه اصلی